تشابه اسمی مشفق کاشانی (عباس کی منش) با من! دو شاعر با یک نام!

کی منش، عباس

صیغه‏ی اسم فاعل،مشکول و معرب کرده و در پاورقی برای اثبات‏ آن به السامی فی الاسامی ارجاع داده است.پرسش انگیزتر آن‏که‏ در چاپ 1383(ص 194)،معدّلان به صیغه‏ی اسم فاعل و مزکّیان‏ به صیغه‏ی اسم مفعول،مشکول و معرب شده است.

نمونه‏یی دیگر از اشتباه‏هایی که در متن مصحّح بیهقی راه یافته‏ است،عبارتی‏ست که در قصه‏ی«اقدام خواجه احمد در کار بو سهل» آمده است.در متن مصحّح غنی و فیّاض می‏خوانیم:«چو مسعدی‏ برفت،خواجه با من خالی‏[خلوت‏]کرد و گفت:دیدی که چه کردند؟ که عالمی را بشورانیدند،و آن آلتونتاش است،نه دیو سبا»[تاریخ‏ بیهقی،چاپ 1324،ص 319].غنی و فیّاض در پاورقی نوشته‏اند:«کذا در سه نسخه،در یب دیو سیاه،و هیچ کدام معلوم نیست.شاید «دیو پا»باشد،یعنی عنکبوت یا زیره با باشد به معنی آش زیره؛به‏ احتمال آن‏که چنین کلمه‏یی را در آن وقت،به عنوان مثال تحقیر استعمال می‏کرده‏اند.»درحالی‏که نه دیو سیاه،نه دیو سبا،و نه دیو پا و نه زیره با،بلکه دول‏[دلو]آسیاست و این از امثال سائره است که‏ می‏گویند:این فلان کس است،نه دول آسیا.اوجدی مراغه‏یی گوید:

دل مخوان ای پسر که دول بود- آن‏که در چاه خلق گول بود.

اشتباه دیگر چاپ مصحّح غنی و فیاض،معنی«اسکدار»است‏ که در متن آمده:«اسکدار خوارزم را به دیوان آورده بودند»و غنی و فیاض در پانوشت صفحه‏ی 319 نوشته‏اند که اسکدار به معنی‏ «کیسه‏ی محتوی نامه است»!حال آن‏که در لغت‏نامه آمده که‏ اسکدار،پیک سوار است و ملک الشعرای بهار گفته است:نامه‏ات‏ آورد اسکدار علی جان!

3-نمایندگی فیاض و غنی از مشهد

دکتر غنی چهار دوره،یعنی در دوره‏های دهم،یازدهم،دوازدهم‏ و سیزدهم مجلس شورای ملی،از مشهد نماینده‏ی مجلس بود؛ بی‏تردید انتخاب دکتر فیاض به نمایندگی مجلس پس از دکتر غنی‏ در انتخابات دو دوره‏ی پایانی عصر رضا شاه،یعنی در دوره‏های‏ دوازدهم و سیزدهم مجلس از مشهد،تحت تأثیر مستقیم دکتر غنی‏ بود.گفتنی‏ست که زهرا شجیعی در کتاب نخبگان سیاسی ایران، نام کوچک دکتر فیاض را«حاجی علی اکبر مجید فیاض»ضبط کرده است‏4و گویا این عنوان«حاجی»اشتباهی باشد.

4-رفتن دکتر فیاض به مصر

مقدمات سفر دکتر فیاض به مصر در زمان سفارت دکتر غنی در مصر فراهم شد و عاقبت دکتر فیاض و چند تن استاد دیگر از جمله‏ بدیع الزمان فروزانفر در 1327 از جانب دانشگاه فاروق اول برای ایراد سخنرانی به مصر دعوت شدند،امّا تنها سخنرانی‏های فیّاض‏ درباره‏ی تاریخ ادبیات و شعر و نثر فارسی«محاضرات عن الشعر الفارسی و الحضاره الاسلامیه فی ایران»به زبان عربی در 1329 در اسکندریه چاپ شد.

پی‏نوشت‏ها:

(1)-جمال‏زاده،محمد علی،«به یاد دکتر قاسم غنی»، ماهنامه‏ی حافظ،شماره‏ی 13،ص 26 به بعد.

(2)-عظیمی،محمد،چشمه‏ی‏ فیاض،به مناسبت نکوداشت یکی از مفاخر،مشهد،دانشگاه فردوسی،1383، صفحه‏ی الف.

(3)-فیاض،علی اکبر،«مقدمه»،بحثی در تصوف،تهران،یغما، 1331.

(4)-شجیعی،زهرا،نخبگان سیاسی ایران،ج 4،ص 547.

تسویه حساب

دیدی شکست جام شرابی که داشتم‏ بر خاک ریخت آن می‏نابی که داشتم‏ کارم ز دست رفت،چو دستم ز کار ماند سستی گرفت پای شتابی که داشتم‏ اسب سپید سرکش من ماند و شد خموش‏ در سینه شوق پا به رکابی که داشتم‏ خاموش گشت و گشت فراموش روزگار آن التهاب و آن تب و تابی که داشتم‏ حالم کنون خراب بود ورنه آن زمان‏ آباد بود حال خرابی که داشتم‏ آواز و ساز و بزم می‏و جمع دوستان‏ یادش به خیر دور شبای که داشتم‏ دیگرچه جای شکر که جای شکایت است‏ بیهوده نیست خشم و عتابی که داشتم‏ یک بار جان بداد و دو صد بار جان گرفت‏ پاک است با خدای حسابی که داشتم‏ دیگر از این شکسته چه خواهد خدای من‏ خاموشی است کهنه جوابی که داشتم

\*\*\*\*\*

تشابه اسمی استاد مشفق کاشانی‏ (عباس کی‏منش)با من!

دو شاعر با یک نام! دکتر عباس کی‏منش-استاد دانشگاه تهران

دو شاعر دانم اندر شهرِ تهران‏ یکی کاشانی آن یک اهل گیلان‏ به شهرت«کی‏منش»،موسوم«عباس» به مُلک شعر صاحب رای و عنوان‏ سخندان یار کاشانی‏ست«مشفق» که چون او کم بُوَد در مُلک ایران‏ ولی گیلانی آن شاگردِ«مشفق» تخلّص می‏کند در شعر«مُشکان»